

ساواک طرحی تقلیدی از دو سازمان FBI و CIA آمریکا بود!

۱۶ بهمن ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۵۴

یکی از سازمانهایی که در طی دوران حکومت پهلوی دوم در راستای سرکوب مخالفین رژیم تاسیس شد، سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) بود، اما باید دانست عواملی موجب گردید تا طرح تاسیس آن نهایه شود.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، آمریکا، فضا و شرایط را به منظور حضور و حاکمیت بلامانع خویش در ایران مساعد یافته و در صدد برآمد تا در تمام شئون ایران دخالت کرده و جایگزین انگلیس شود. یکی از زمینه های مورد نظر، بخش امنیتی و اطلاعاتی بود. تا پیش از این مقطع، انگلیس از حضوری پررنگ تر برخوردار بود و آمریکا نیز به منظور کسب جایگاه مناسب تلاش می کرد ولی نتایج جنگ جهانی دوم و توافقات جدید در تعیین حوزه های نفوذ و همچنین کمک مؤثر و مستقیم آمریکا در پیروزی کودتا و بازگرداندن محمدرضا به ایران در سال ۱۳۳۲، آزادی عمل بیشتری را برای آمریکا فراهم کرد و از این تاریخ بود که آمریکایی ها، با تمام امکانات وارد عرصه های مختلف شدند و حاکمیت بلامنازع خود را تثبیت کردند. در این راستا، هدایت و کنترل دو پایگاه پیش از دیگر پایگاه ها مورد نظر آنها بود: ارتش و راه اندازی سازمان اطلاعات و امنیت داخلی. اولی، به منظور حفاظت و حراست از مهره های که توسط آن ها مجدداً در ایران روی کار آمده بود، در مقابل هجوم بیگانگان و ایجاد نقش ژاندارمی در منطقه خاورمیانه برای سرکوبی نهضت های آزادی بخش و دومی، به منظور حمایت و پشتیبانی و حفظ او در مقابل نیروهای داخلی، چنانکه در این باره تقی نجاری راد می نویسد با پیروزی کودتای ۲۸ مرداد - که در جریان عملیات موسوم به «آژاکس» تحقق یافت و به سقوط دولت ملی مصدق انجامید - محمدرضا شاه به قدرت بازگردانده شد و به کمک استعمارگران که حکومت خود را مدیون آنها می دانست، روز به روز به تحکیم و تثبیت پایه های حکومت خویش پرداخت. سازمان اطلاعات و امنیت کشور در سال ۱۳۳۵ در جهت ایجاد امنیت و حفظ دیکتاتوری شاه تشکیل گردید. نطفه ی ساواک در سال ۱۳۳۵ در فرمانداری نظامی بسته شد و با تصویب قانون تأسیس ساواک، این سازمان از اوایل سال ۱۳۳۶ رسماً به فعالیت پرداخت.

تا قبل از شکل گیری ساواک، نهادهای امنیتی - اطلاعاتی شاه تنها از دو بخش که تا حدودی از یکدیگر مستقل بودند، تشکیل می شد: یکی تحت نظر شهربانی بود و دیگری در دست ارتش قرار داشت. دایره ی سیاسی یا کارآگاهی شهربانی، وظیفه ی اصلی کسب اطلاعات از امور سیاسی داخل کشور و از جمله احزاب، سندیکاهای کارگری، مطبوعات و افراد صاحب نفوذ سیاسی را بر عهده داشت. در ارتش نیز رکن ۲ وظیفه ی کسب اطلاعات و اخبار درباره ی افراد نظامی و ارتش را عهده دار بود.

پس از کودتای ۲۸ مرداد، چند عامل حکومت کودتا را بر آن داشت تا تلاش گستردهای در جهت سرکوب نیروهای مخالف و ایجاد

جو اختناق و رعب در جامعه انجام دهد. از یک طرف دولت از حرکت های مردمی و نیز شخصیت های بزرگ مذهبی- سیاسی که جنبش ملی شدن نفت را رهبری کرده بودند و دست اجانب را از کشور ایران و منابع عظیم ثروت آن قطع کرده بودند، هراس داشت؛ از طرف دیگر، رژیم از فعالیت گروه ها و دسته هایی که تلاش در جهت براندازی و معدوم ساختن رژیم خودکامه و ضد مردمی پهلوی و از میان برداشتن عناصر وابسته و خودفروخته داشتند- نظیر فدائیان اسلام- و نیز ایجاد گروه های مسلح سری و دیگر گروه های سیاسی- مذهبی ترس و واهمه داشت. این مسئله باعث شده بود که فرمانداری نظامی مأمور سرکوب همه جانبه ی گروه های مخالف رژیم شود.

در این باره تقی نجاری راد می نویسد به نخستین کابینه رژیم کودتا دو مأموریت داده شد: یکی حل مسئله ی نفت و دیگری سرکوب هرگونه فعالیت و جنبش ضد امپریالیستی و از بین بردن مخالفین و تثبیت و تحکیم موقعیت رژیم. دولت کودتا بلافاصله درصدد حل مسئله ی نفت برآمد و قرارداد کنسرسیون با تلاش دولتهای آمریکا و انگلیس بر ایران تحمیل شد. وظیفه ی حفظ نظم و امنیت داخلی با تکیه بر ارتش و دیگر نهادهای امنیتی بر عهده ی فرمانداری نظامی گذاشته شد و تیمور بختیار فرماندار نظامی تهران شد و وظیفه ی اجرای حکومت نظامی و سرکوب مخالفان را بر عهده گرفت. بختیار ظلم و جنایات زیادی مرتکب شد و اکثر افراد و گروههایی را که به نوعی مخالف رژیم شناخته میشدند، سرکوب کرد و فعالیت آنها را بهطور موقت متوقف کرد. وی نقش مهمی در قلع و قمع گروه هایی چون فدائیان اسلام و حزب توده داشت.

حزب توده

رژیم کودتا و فرماندار نظامی تهران- تیمور بختیار- در مبارزه با حزب توده که یکی از گروه های عمده ی مخالف رژیم بود سلاح «زور، تخریب و سرکوبی» را به کار برد. در حمله به حزب توده فرماندار نظامی تهران دست به بازداشت، محاکمه و اعدام رهبران آن زد. حزب توده با وجود نفوذی که در ارتش و نیروهای مسلح داشت، در زمان کودتا تا حد زیادی تضعیف شد. در عین حال، تردید و بلاتکلیفی در مبارزات و درگیریهای داخلی، همراه با آشفتگی های ایدئولوژی به شدت بر فعالیت های آن تأثیر گذاشته بود.

با استقرار حکومت زاهدی و قدرت گرفتن شاه، افراد مهم و سران حزب توده یا از ایران فرار کردند یا زندانی و اعدام شدند. عده ی زیادی از تودهایها نیز که اظهار ندامت کرده و دست از فعالیت های حزبی برداشته بودند، جذب دولت شدند و بعداً با تشکیل ساواک عده ی زیادی از آنها به عنوان جاسوسان سازمان امنیت به کار گرفته شدند. با این همه، ضربه ی بزرگ و نهایی با کشف شبکه ی اعضای حزب توده در نیروهای مسلح، در تابستان سال ۱۳۳۳ بر آن وارد آمد و عده ی زیادی از آنها محاکمه شدند و رهبران شان به حبس ابد یا اعدام محکوم شدند.

جبهه ی ملی

جبهه ی ملی، دومین گروه عمده ی مخالف رژیم بود که در سال های پیش از کودتا به رهبری دکتر محمد مصدق نهضت ملی

شدن صنعت نفت را به کمک نیروهای مذهبی به راه انداخته بودند. دولت در برخورد با این گروه، روش سرسختانه ای به کار نگرفت و در مورد آنها حربی «نظارت و کنترل» را به کار برد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد، عده‌های از اعضای جبهه ملی توسط فرمانداری نظامی دستگیر و محاکمه و زندانی شدند اما بعد از مدتی آزاد گشتند. رژیم خودکامه‌ی پهلوی به دقت اعمال این گروه را تحت نظر داشت و با تشدید مراقبت و کنترل، آنها را زیر فشار قرار میداد. اعضای جبهه ملی ضمن آنکه در حفظ ماهیت سیاسی خود کوشا بودند، در حاشیه‌ی روند سیاسی اجتماعی ایران با احتیاط گام برمی داشتند.

روحانیون

سومین گروه عده‌های که رژیم پس از مبارزه و سرکوب حزب توده و فلج کردن بنیان جبهه ملی به مبارزه با آنها برخاست، روحانیون شیعه و گروه‌های مذهبی بودند. شاه سعی داشت در مورد این گروه‌ها که از محبوبیت مردمی بالایی برخوردار بودند سیاست سازش را از طریق اظهار ارادت و محبت نسبت به شخصیت مرجع عالیقدر تشیع آیتالله بروجردی در پیش گیرد. شاه در مورد دیگر روحانیون نیز سعی داشت که همین حربه را به کار بندد. هرچند شاه در سالهای اولیه بعد از کودتا، مخالف علنی از طرف این گروه ندید، ولی با ظهور امام خمینی (ره) و طرفداران او عملاً سیاست شاه در مورد روحانیون شکست خورد و همین نیروهای عمده بودند که به رهبری مرجع عالیقدر شیعه- امام خمینی (ره)- و با تکیه بر پشتوانه‌ی عظیم ملت ایران، انقلاب اسلامی را به راه انداختند و در بهمن ۱۳۵۷ به حکومت پهلوی پایان دادند.

فدائیان اسلام

غیر از روحانیت شیعه، رژیم در بعد وسیعی به سرکوب گروه‌های مذهبی پرداخت. فدائیان اسلام یکی از گروه‌هایی بودند که به طرز ناجوانمردانه‌ای در سال ۱۳۳۴ سرکوب شدند. فدائیان اسلام که در اوایل دهه‌ی ۱۳۲۰ شکل گرفته بودند و داعیه‌ی اجرای احکام اسلامی را داشتند، از اوایل فعالیت خود تحت رهبری شهید نواب صفوی سعی داشتند با نابود کردن ریشه‌های فساد و از بین بردن عوامل وابسته‌ی ای چون کسروی، هژیر و رزمآرا، اسلام و احکام تعالیبخش آن را در عمل پیاده کنند و آن را از کشانده شدن به انحراف بازدارند.

فدائیان اسلام پس از ترور ناموفق علاء در سال ۱۳۳۴ و دستگیری ضارب نخستوزیر، تحت تعقیب فرمانداری نظامی و آگاهی شهربانی قرار گرفتند. فرمانداری نظامی و آگاهی شهربانی تلاش گسترده‌ای را در جهت پیدا کردن نواب صفوی و همفکران او آغاز کردند و بالاخره پس از یک هفته نواب و یکی از همفکرانش - که در منزل حمید ذوالقدر مخفی شده بودند- توسط نیروهای شهربانی دستگیر گردیدند و به شهربانی برده شدند. چند روز بعد نیز تعداد دیگری از یاران نواب توسط نیروهای شهربانی دستگیر شدند و تحت شکنجه قرار گرفتند. یک ماه بعد از دستگیری فدائیان اسلام، در یک دادگاه نظامی فرمایشی- که به طور مخفیانه تشکیل شد- نواب و تعدادی از یاران او به اعدام محکوم شدند و در ۲۷ دیماه ۱۳۳۴ تیرباران شدند.

رژیم شاه که علی رغم سرکوب اکثر نیروهای مخالف هنوز از نیروهای باقیمانده هراس و وحشت داشت، سرکوب و ایجاد جو خفقان را همچنان ادامه داد ولی ادامهی حکومت نظامی، دیگر چندان ممکن نبود. به علاوه رسوایی فرمانداری نظامی در انجام امور و وظایف محوله اش از یک سوی و ضرورت وجود انسجام و هماهنگی در نهادهای امنیتی و اطلاعاتی از سوی دیگر، باعث شد که آمریکا طرح تشکیل سازمان اطلاعات و امنیت را به شاه بدهد. این طرح، شامل دو نهاد «امنیت داخلی» و «اطلاعات خارجی» که مشابه دو سازمان FBI و CIA آمریکا بود، میشد. شاه تشکیل دو نهاد جداگانه را نپذیرفت و فقط با تشکیل یک سازمان منسجم اطلاعات و امنیت موافقت کرد.

هسته ی اصلی سازمان اطلاعات و امنیت کشور در سال ۱۳۳۵ در فرمانداری نظامی شکل گرفت و در مطبوعات روز چهارشنبه ۱۱ مهرماه ۱۳۳۵ خبری انتشار یافت که حاکی از تشکیل ساواک بود. این خبر حکایت از این داشت که تأسیس سازمان امنیت به تصویب دولت رسیده و معاونین سازمان امنیت از روز گذشته در فرمانداری نظامی مشغول کار شدند. تشکیل سازمان امنیت احتیاج به اجازهی مجلسین نداشت زیرا یک اداره ی عمومی بود که اجازهی تشکیل آن با هیات دولت بود. منتهی این اداره نیاز به اختیاراتی داشت که جز از طریق قانون و مجلسین، اعطای آن میسر نبود.

سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) پس از تصویب لایحه آن در مجلس سنا و مجلس شورای ملی رسماً از اوایل سال ۱۳۳۶ فعالیت خود را به ریاست تیمور بختیار آغاز کرد.

منابع:

۱-افراسیابی، ایران و تاریخ، تهران، زرین: ۱۳۶۴.

۲-بیل، جیمز، شیر و عقاب، ترجمه فروزنده برلیان، تهران، فاخته: ۱۳۷۱.

۳-منصوری، جواد، سیر تکوینی انقلاب اسلامی، تهران، مطالعات سیاسی و بین المللی: ۱۳۷۵.

۴-خسرشاهی، هادی، فداییان اسلام، تهران، اطلاعات: ۱۳۷۵.

۵-سفری، محمدعلی، قلم و سیاست، تهران، نامک: ۱۳۷۳.

*نجاری راد، تقی، ساوک و نقش آن در تحولات داخلی رژیم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی: ۱۳۷۸.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/29507/5/ساواک-دو-تقلیدي-طرح-ساواک>